

کتاب پارتیزان، سرگذشت نامه مستند شهید علی اکبر حاجی پور، فرمانده تیپ یکم عمار لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) به قلم گل علی بابایی، منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب هفدهمین عنوان از مجموعه «بیست و هفت در بیست و هفت» است. مؤلف کتاب می‌گوید برخی مؤلفان فرهنگ‌ وازگان انگلیسی در ایران طی دهه‌های اخیر، باتأثیر از اقدامات پارتیزانی شهروندان فرانسوی در جنگ جهانی دوم، مدعی شده‌اند واژه پارتیزان،

## انتشار روایت زندگی

## شهید علی اکبر حاجی پور

فرانسوی است اما این کلمه در واقع «پارتی‌زن» است و ریشه در دوران اشکانیان دارد که با کاکروسوس، سردار رومی می‌جنگیدند. کتاب حاضر، حاصل یک‌سال پژوهش نویسنده است که در تجربیات خود و دیگر رزمندگانی که در کنار شهید علی اکبر حاجی پور در جبهه حضور داشته‌اند، نگارش شده است. شهید حاجی پور پیش از انقلاب در گارد شاهنشاهی حضور داشت، با شروع اعتراضات او از ارتش استعفا داد اما مکررا با استعفای او موافقت نمی‌کردند تا

زبان خود را به‌روز نگه دارند.

**سیدعلی ماه:** نوشتن نقد توسط افرادی که ماهیت سینما را زیر سؤال می‌برند، قابل تأمل است. باید در کنار فیلمساز استاد و از زاویه دید او به فیلم نگاه کرد. همان‌طور که گذار گفته: «من جهان داستانم را این‌گونه دیدم و دوست داشتم این‌گونه روایت کنم». هیچ هنرمندی مسئول خلق سوزه دلخواه ما نیست. او تنها نظر و جهان بینی خود را به اشتراک می‌گذارد. منتقدان نباید فضای نقد را بی‌نظم کنند و انتظار داشته باشند اثر باید به شکلی خاص باشد. اگر از ابتدا مخاطبان از منتقدان دلیل علمی برای سخنان‌شان می‌خواستند، نقدها به سلیقه و دیدگاه شخصی محدود نمی‌شد.

**زهرایی:** موضوع بعدی، به نظر شما جامعه منتقدان یا انجمن منتقدان در بهتر شدن فضای نقد چه نقشی داشته یا می‌تواند داشته باشد؟

**صالحی:** جامعه منتقدان به جایگاه درستی در رسانه‌ها نیاز دارد تا بتواند به هدایت سینماگران و مردم به سمت تولید و دیدن فیلم‌های فاخر بپردازد. انجمن منتقدان در خانه سینما واقع شده و افراد، تنها یک روز در هفته و ساعتی محدود می‌توانند از آن فضا استفاده کنند، بنابراین نمی‌توانند کار زیادی انجام دهند. برای بهبود وضعیت، مسئولان وزارت ارشاد یا معاونت مطبوعاتی باید فضایی مستقل از خانه سینما برای انجمن منتقدان ایجاد کنند تا تیزی نقدهای‌شان که نقش درمانگر دارد، مؤثرتر باشد. یکی از مشکلات دیگر، نبود دوره‌های آموزشی مرتب و مدون و نبود دانشگاه نقد است. برخلاف رشته‌های دیگر سینمایی، دانشگاهی برای آموزش علمی نقد وجود ندارد که به نظرم راه‌اندازی این دانشگاه، خدمت بزرگی به نقد و منتقدان حال و آینده خواهد بود.

**احمدی:** برای خروج از وضعیت فعلی، چند راهکار وجود دارد. یکی از راهکارها برای متولیان رسانه‌ها این است که به نقد به عنوان یک شغل نگاه کنند، منتقد پرورش دهند، از او مطلب حرفه‌ای بخواهند و در برابر دیگران از او حمایت کنند. ما به منتقد باسواد نیاز داریم و زمانی که از آنها حمایتی صورت نمی‌گیرد، دلیلی برای تولید نقد سینمایی حرفه‌ای وجود ندارد؛ یعنی همین کاری که الان روزنامه جام‌جم و مدرسه نقد دارد انجام می‌دهد.

**سیدعلی ماه:** نقد در جوامع اروپایی و آمریکایی نقش مهمی در درک مکاتب سینمایی داشته است. مثلاً مکتب موج نور فرانسه از نقدهای آندره بازن در «کایه دو سینما» تأثیر گرفته است. همچنین منتقدان نقش بزرگی در معرفی فیلمسازان بزرگ، مانند آکیرا کوروساوا و اینگمار برگمان داشته‌اند. نقد سازنده، فیلمسازان را به جست‌وجوی راه‌های جدید در روایت و فرم تشویق می‌کند و از نظر تکنیکی به بهبود آثار آنها کمک می‌کند. نقدها بر گفتمان فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیرگذار است؛ مثلاً نقد آثار استلنی کوبریک و فیلم‌های اجتماعی کن لوچ. نقد، پلی میان نظریه‌های سینمایی و آثار عملی است، مانند نقدهای آندره بازن در فرانسه و رابین وود در انگلستان. نقد حرفه‌ای تماشاگران را با سبک‌ها و ژانرهای مختلف آشنا کرده و



**احمدی:**

**نقد سینمای ایران از ابتدا مشکلات زیادی داشته، این مشکلات با پیشرفت تکنولوژی و به‌روز شدن نظریه‌های سینمایی، پیچیده‌تر شده است. دو نگاه کلی به سینما در ایران وجود دارد: یکی سینما را صرفاً تفریحی می‌داند و دیگری که سینما را جدی می‌داند ولی دید درستی ندارد**

این‌که پس از دستور امام خمینی (ره) مبنی بر خالی‌کردن پادگان‌ها توسط ارتشیان، از پادگان فرار کرد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه پیوست و با توجه به تجربیات و استعداد ذاتی که داشت در جبهه‌های جنگ حضور یافت. وی در دوران جنگ تحمیلی فرماندهی گردان عمار را بر عهده گرفت و در عملیات والفجر ۴ در تاریخ ۱۳۱۳ آبان ۱۳۶۲ بر اثر اصابت گلوله تانک دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

سلیقه عمومی را به سمت آثار هنری هدایت می‌کند.

**زهرایی:** ما باید و معضل مهم در نقد سینما رویه رو هستیم. اول، سلب‌ریتی‌های منتقد که با وجود شهرت، شایسته این جایگاه نیستند و به‌طور نادرست جریان‌ساز می‌شوند، چه در فضای مجازی و چه در مطبوعات. دوم، نقدهایی که تنها به محتوای فیلم می‌پردازد و به فرم آن توجهی نمی‌کند. منتقدی که فقط درباره داستان فیلم صحبت می‌کند، چرا به جای نقد رمان و کتاب، نقد فیلم می‌نویسد؟ نقد سینما باید به هر دو جنبه محتوا و فرم بپردازد تا کامل و مؤثر باشد.

**صالحی:** یکی از مشکلات، حضور سلب‌ریتی‌های منتقد است که اغلب از کم‌دانشی و اعتماد مخاطبان‌شان بهره‌برداری می‌کنند. این افراد بیشتر به جنبه داستان فیلم می‌پردازند تا فرم آن و منتقدان جوان نیز از آنها پیروی می‌کنند، بدون تلاش برای کسب دانش درباره کارگردانی، نویسندگی، تدوین و معنی‌شناسی. این موضوع باعث نادیده گرفتن جنبه‌های هنری و فنی آثار می‌شود و یکی از وظایف مهم نقد که سوق دادن فیلمسازان به سمت تولید آثار خوب است، از بین می‌رود. مشکل دیگر این است که تولیدکنندگان محتوای تصویری براساس بازخورد مخاطبان، به نقدهایی که مردم دوست دارند، متمایل می‌شوند و از جنبه‌های علمی دور می‌شوند. البته توجه به نظرات مخاطب مهم است، اما باید به‌گونه‌ای بیان شود که هم جذاب و هم علمی باشد.

**احمدی:** یکی از معضلات موجود، غلبه احساس بر منطق در نقد است. به جای این‌که منتقد از درون اثر به بیرون نگاه کند، از بیرون به درون آن نگاه می‌کند. منتقد باید کنار فیلمساز قرار بگیرد و ببیند هدف فیلمساز از خلق اثر چه بوده است؛ تفریح، سرگرمی یا پیام. منتقد نباید از بیرون به فیلم نگاه کند و بگوید باید پیام می‌دادی، سرگرم می‌کدی یا پول درمی‌آوری. سنجش صحیح اثر هنری این است که بپرسیم چه می‌خواستی بگویی و چگونه گفتی.

**سیدعلی ماه:** برخی فیلمسازان از نقدی که ایرادات را بیان کند، می‌ترسند؛ چون ممکن است بر فروش فیلم آنها تأثیر منفی بگذارد؛ بنابراین با هزینه کردن، فضای مجازی را با نوشته‌ها و نقدهای تصویری پر می‌کنند که از فیلم‌شان تعریف و تمجید شود و نقدهای منفی را پنهان می‌کنند تا در عین حال تبلیغی برای فیلم‌شان باشد.

**زهرایی:** من فکر می‌کنم همچون جلسه قبلی، تمام این اتفاقات باز هم به مخاطبان برمی‌گردد؛ یعنی مخاطبان هوشیار در هر قشر و جایگاهی، باید خودشان را جدی بگیرند. آنهایی که دوست دارند نقد خوب بخوانند یا ببینند، نباید از نوشته‌هایی که به اسم نقد با سطح نازل عرضه می‌شود، استقبال کنند؛ بنابراین، مخاطب هم می‌تواند در جای خودش منتقد را هدایت کند و حتما تأثیر بالایی نیز خواهد داشت.

موضوع دیگر این‌که اگر منتقد بتواند به این مهارت و پختگی برسد، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. این اثرگذاری بر نوع آثاری که تولید می‌شود یا رویکرد جامعه به آن آثار، بسیار اهمیت دارد. ما

هنوز این اثرگذاری را نداریم، چون افرادی که دارای این مقدار از توجه و اثرگذاری باشند را نداریم. این اتفاقی است که در کشورهای دیگر افتاده است.

امیدوارم که وضعیت سینما و وضعیت امیدوارم که نقد رو به بهبود برود. امیدوارم که منتقدان خوب و با دانش در کشور پیشرفت کنند و آنچه آرزوی استاد فقید یگانه، دکتر اکبر عالمی بود، یعنی نقد آگاهانه و عالمانه، رواج پیدا کند.

## قاب

## اکران «مدقالچی به روایت

## مدقالچی» در هنر و تجربه

فیلم مستند «مدقالچی به روایت مدقالچی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علیرضا زحمتکش از چهارشنبه ۲۶ دی در سینماهای منتخب گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود. این مستند طی ۱۵ سال (۱۳۸۶ تا ۱۴۰۱) به زندگی و فعالیت‌های هنری نصرا... مدقالچی، یکی از برجسته‌ترین دوبلوهرای تاریخ ایران می‌پردازد. در این مستند چهره‌های همچون عباس مطمئن‌زاده، ناصر ممدوح، مجید درخشانی، بهنام تشکر و زنده‌یادان علی کسمایی، جمشید مشایخی و کیومرث پوراحمد حضور دارند و درباره نصرا... مدقالچی صحبت کرده‌اند.

# سینما

C I N E M A

یکشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۳ شماره ۶۹۵۶

## خبر بین

## علت مرگ، نامعلوم

## دومینوی اتفاقات!

این فیلم از دست آثاری است که کاراکترها را از گوشه‌وکنار یک منطقه جغرافیایی گرد هم جمع می‌کند تا در یک مکان درگیر رخداد‌های کاملاً تصادفی و ایزورد شوند. یکی از نزدیک‌ترین نمونه‌ها فیلم «آخرین توقف در شهرستان یوما» بود که یک



محمد رضا دایر  
منتقد سینما

رستوران بین جاده‌ای دیداری کاراکترهای فیلم بود. در این آثار معمولاً یک کاراکتر تبدیل به هدایت‌کننده مسیر اصلی روایت می‌شود و به نوعی ما از چند سکانس قبل همراه او می‌شویم تا به محل اصلی روایت برسیم اما کارگردان این لذت را از مخاطب خود می‌گیرد. او باتصاویری بسته‌از کاراکترهای مختلف، سعی دارد هرچه سریع‌تر آنها را درون ون مدنظر خود گرد آورد. در هر حال وارد این ون می‌شویم که شامل هفت مسافر و یک راننده است. کارگردان در روایت خود به جای پیچش روایی از مستقیم‌ترین نشانه‌ها برای رخداد‌های پیش رو بهره می‌برد. آن اتفاق مدنظر دیر نمی‌پاید که رخ می‌دهد و پس از ترمز ماشین و در نتیجه افتادن سیر جلو، همه متوجه این موضوع می‌شوند که مردی بلوچ یا افغان دیگر نفج نمی‌کشد. همین نقطه‌ای است که در پس آن، دیگر

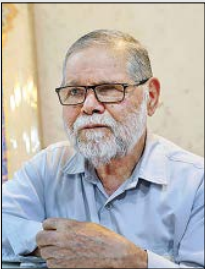
مهره‌های دومینوی اتفاقات، شروع به افتادن می‌کنند و از دل آن گذرگاه‌های اخلاقی کل کاراکترها در بر می‌گیرند. فیلم، یک مشکل اساسی دارد و آن وابستگی سانیما‌نالیستی و به کاراکتر معترض اجتماعی است که در حال فرار به سوی مرزها برای خروج از کشور است. گویی دیگر این کاراکتر تبدیل به کلیشه‌ای شده که اگر نباشد، امضای جشنواره‌ها یا ی آن نقش نمی‌بندد. گویی فیلمساز ایرانی حاضر است تن به هر ذلتی در برابر خودسانسوری پیش از گرفتن پروانه ساخت و در ادامه پروانه نمایش بدهد تا بلکه کارنامه هنری خود را سنگین‌تر یا شروع کند. این نوع وادادگی را می‌توان در شخصیت‌های تیمان و بهار مشاهده کرد. گویی این دو کاراکتر ویران‌کننده سینمای ژانری زرتکار شده‌اند. به آقای کاژگردان باید گفت روایت شما که ساختار کمدی-ایزورد قابل اعتنایی رابا پوشش گذرگاه‌های اخلاقی پیش می‌برد، پس چه نیازی به این دو کاراکتر و جاکردن آنها در داستان بود؟ در باب این اثر به راحتی می‌توان گفت که کمدی موقعیت متناسب با ساختار اثر آن قدر خوب روی کاراکترهای مختلف می‌نشیند و باعث پیش آمدن تصادفی رخداد‌های پیش رو می‌شود که گویی مخاطب در طول اثر هیچ نیازی به پیمان و بهار ندارد. روایت کارگردان خط روایی مستقیمی دارد که از طریق تصمیم‌های ناگهانی کاراکترها د چار وسعت می‌شود اما اراده کارگردان برای فرار از موقعیت‌های کمدی برآمده از تصمیمات کاراکترها و اضافه کردن دیالوگ‌های حشمت فردوس‌گونه در باب اخلاق و منش پهلوانی همچون آب سردی روی این ساختار کلی اثر است اما مشکل دیگر روایت این است که بین بازیگران تناسبی هم وجود ندارد. به بازیگری که نقش کاراکتر بهار را بازی می‌کند، توجه کنید. این بازیگر در تک‌تک جملاتی که ادا می‌کند، گویی صدها نابازیگر دیگری است که در سریال‌ها و آثار سینمایی ایران در حال ابفای نقش هستند؛ بازیگرانی که با هوای بین دندان‌ها و لب‌ها در حال ادای جملاتی نامفهوم و بریده‌بریده هستند. با دیدن این اثر، می‌توان فهمید که زرتکار، سینمای ژانری را می‌شناسد و اتفاقاً آثار روز سینمای جهان را نیز مشاهده می‌کند اما در ارائه این ساختار ژانری به دلایلی که در بالا اشاره شد، دم‌بریده عمل می‌کند.

## رویداد

## پاسداشت کاتب بزرگ‌ترین

## قرآن جهان برگزار می‌شود

باسداشت و تکریم علی‌اکبر اسماعیلی قوچانی، کاتب بزرگ‌ترین و نفیس‌ترین قرآن جهان، هنرمند خوشنویس و نویسنده در قالب نشست «عصر فرهنگ خراسان» با حضور جمعی از فرهنگ‌وران خراسان فردا در مشهد برگزار می‌شود. علی‌اکبر اسماعیلی قوچانی متولد ۱۲۲۳ و در محضر استادان بزرگی همچون سید حسن میرخانی معروف به سراج الکتاب و مؤسس انجمن خوشنویسان ایران (نستعلیق)، استاد معصومی معروف به نجفی زنجانی (ثلث و نسخ)، استاد ابراهیم بوذر در اقلام مختلف خطوط: نستعلیق، ثلث و نسخ را به‌غایت فرا گرفت. وی در سال ۱۳۴۵ اولین شعبه انجمن خوشنویسان ایران در بین شهرستان‌های کشور را، در قوچان تأسیس کرد. وی سال‌ها به نوشتن بزرگ‌ترین قرآن جهان پرداخت که کتابت آن در سال ۱۳۹۵ پایان یافت. این قرآن در موزه شخصی وی واقع در شهر مشهد نگهداری می‌شود و صفحاتی از آن در نمایشگاه بین‌المللی مشهد ۲۰۱۷ رونمایی شد.



## صنایع فرهنگی

## برگزاری نمایشگاه

## عروسک‌های اقوام ایرانی

همزمان با برگزاری نهمین جشنواره ملی اسباب‌بازی، نمایشگاهی از مجموعه «عروسک‌های اقوام ایرانی» در رنگارخانه آفتاب مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپا می‌شود.

در این نمایشگاه یک بازی که در آن کودکان با بالباس اقوام ایرانی آشنایی شوند، برای بازدیدکنندگان تدارک دیده شده است.

این عروسک‌های جمع‌آوری شده از مناطق مختلف ایران دارای قصه‌هایی است که برای علاقه‌مندان هنگام بازدید، روایت می‌شود. همچنین عروسک‌های آیینی شامل عروسک تمنای باران (چمچه خاتون)، عروسک بوکه باران، تکم، ورزا مُشته و... است که در آیین‌های مختلف شهرهای ایران و به مناسبت‌های مختلف استفاده می‌شود. عروسک‌های افسانه‌ای شامل عروسک‌های خیالی از افسانه‌های کهن ایرانی مانند شاماران، آدی و بودی، دختر نانچ و ترنج است که قصه‌گو به‌واسطه قصه آن را برای بازدیدکنندگان معرفی می‌کند.